یادداشت روز

گرگ سیاست اسرائیل چگونه مقابل ایران زانو زد؟

بنیامین نتانیاهو، گرگ سیاست در رژیم صهیونیستی است. او دو سال قبل توانست برای ششمین‌بار نخست‌وزیر شود که طولانی‌ترین دوره تصدی نخست‌وزیری در این رژیم است. نتانیاهو تقلای بسیاری در دشمنی با ایران کرد، اما اکنون در حال از پا در آمدن است. هم پرونده فساد مفتوح در داخل رژیم دارد، هم جنگ و جنایت در غزه را بدترین شکل ممکن باخته، و هم در آستانه تعقیب بین‌المللی به جرم نسل‌کشی است. می‌توان او را در اصطلاح صهیونیستی، «اردک در حال شکار شدن» نامید.

موضوع این یادداشت، نتانیاهو نیست. او تنها یک نمونه از صدها سیاستمدار معاند در سرزمین‌های اشغالی و برخی دولت‌های غربی است که رویای‌شان درباره به زانو در آوردن ملت ایران، به کابوس تبدیل شد. آنچه در ادامه می‌خوانید، گزیده‌ای از انبوه اسناد و اخباری است که می‌تواند در قالب یک کتاب جمع‌آوری شود.

۱- از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ که حماس، ضربت جبران‌ناپذیر «طوفان الاقصی» را بر پیکر اسرائیل نواخت، تا ۱۴آوریل که ایران، قلعه امنیتی- نظامی اسرائیل را با عبور از پدافند ناتو در هم کوبید، حدود ۱۹۰ روز فاصله است. درباره این شاهکار بزرگ، گفتنی‌های بسیاری وجود دارد. ابتدا گزیده بسیار مختصری از بازتاب عملیات ایران را در محافل غربی را مرور کنید: «شورای آتلانتیک: عملیات گسترده علیه اسرائیل، موجب احساس غرور و رضایت در میان مردم خشمگین ایران شده است». «عاموس یادلین، رئیس سابق اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل: حمله بی‌سابقه ایران، اولین حمله به اسرائیل از خاک ایران بود و می‌تواند به تغییر راهبردی در جنگ منجر شود». «اسرائیل هیوم: ایران دیگر هیچ هراسی از جنگ ندارد و این بدترین خبر است». «یدیعوت آحارونوت: پایگاه هوائی نواتیم (مهم‌ترین پایگاه هوائی ما)، هدف حمله قرار گرفت. اسرائیل در نتیجه ترس، دو هفته فلج شده بود». «نیویورک تایمز: اسرائیل با پاسخ پیچیده و تسلیحات پیشرفته‌ای روبه‌رو شد که ۶۰ تن مواد منفجره حمل می‌کردند». «رویترز: آمریکا به اسرائیل هشدار داد که توان جنگ با ایران را ندارد». «ژنرال مکنزی فرمانده سابق سنتکام: نیروهای آمریکایی در برابر حمله ایران یا نیروهای نیابتی آن، آسیب‌پذیر هستند».

۲- تحلیل‌های دیگر هم خواندنی است: «اسکات ریتر، افسر سابق پنتاگون: موشک‌های ایران، پایگاه نواتیم و رامون را هدف قرار دادند. بهترین رادار جاسوسی و پیشرفته‌ترین پدافند ضد موشکی دنیا، در مقابل حمله ناتوان بودند. پایگاه نواتیم، حفاظت‌شده‌ترین نقطه زمین در برابر حملات موشکی - حتی محافظت‌شده‌تر از کاخ سفید و کاخ کرملین - است. ایران، آنجا را درهم کوبید و ثابت کرد که هیچ دفاعی در برابر موشک‌هایش وجود ندارد. این یکی از برترین نمایش‌های نظامی تاریخ بود». «لیبرمن، وزیر خارجه اسبق اسرائیل: ایرانی‌ها، احساس قدرت می‌کنند و اگر پاسخ بدهیم، بازهم حمله می‌کند؛ پس بهتر است درست فکر کنیم». «شبکه صهیونیستی کان: حمله ایران، یکی از سخت‌ترین حملات ثبت‌شده در جهان است. ما بالاتر از حد انتظار، مورد حمله قرار گرفتیم». «مؤسسه مطالعات امنیتی اسرائیل: اسرائیل و آمریکا نتوانستند ایران را از حمله بازدارند. اسرائیل شاهد یک شب دراماتیک بی‌سابقه، با شلیک ۴۰۰ موشک و پهپاد بود». «فرانس۲۴: اسرائیل، مورد عملیاتی بسیار پیچیده قرار گرفت و پدافندش نتوانست عملیاتی مقابله کند». «دیوید پترائوس، رئیس سابق سیا: حمله ایران، مسئله بسیار بزرگی است. مسئله واقعی، عبور انرژی در خلیج‌فارس است که نیاز دنیا را تامین می‌کند. نفت به بالای ۹۰ دلار رسید. به نفع همه است که جلوی تشدید تنش را بگیرند». «کونومیست: ایران تابوی حمله به اسرائیل را شکست». «بی‌بی‌سی: حمله بی‌سابقه ایران، از نظر نظامی- اطلاعاتی پُراهمیت است». «آلون بن دیوید تحلیلگر معاریو: ایران، روز قیامت را به اسرائیل نشان داد. در حین حمله، لحظات سختی را تجربه کردیم. ترس، تمام وجود نظامیان ما را فرا گرفته بود».

۳- ارزیابی محافل غربی را می‌توان در چند جلد کتاب مفصل جا داد. اما رهبر حکیم انقلاب، فراتر از این جزئیات و ابعاد، در چند جمله مختصر، از وقوع یک رویداد راهبردی خبر دادند: «موضوع تعداد موشک‌های شلیک‌شده و یا به هدف اصابت کرده - که طرف مقابل روی آنها متمرکز شده - موضوع دست دوم و فرعی است؛ موضوع اصلی، ظهور قدرت اراده ملت ایران و نیروهای مسلح در عرصه بین‌المللی و اثبات آن است؛ ناراحتی طرف مقابل نیز از همین موضوع است». برای اینکه بفهمیم اراده ملت ایران با رژیم صهیونیستی چه کرده، کافی است برخی زنجموره‌های نتانیاهو ظرف ۱۰، ۱۲ سال گذشته را بازخوانی کنیم و با سرنوشت نکبت‌باری که پیدا کرده، بسنجیم. او مهر ۱۳۸۹، در کنست گفته بود «برنامه هسته‌ای ایران با سرعت قطار تندرو پیش می‌تازد و ما مانند خودروی قراضه می‌خواهیم خود را به آن برسانیم ». او سپس ۵ خرداد ۱۳۹۰ در کنگره آمریکا گفت: «لولای تاریخ ممکن است به‌زودی چرخش پیدا کند. از گذرگاه خیبر [در عربستان] تا تنگه جبل‌الطارق [در مراکش] دگرگونی عظیمی در خاورمیانه در جریان است. به یاد داشته باشیم که شعله آرزوهای ما می‌توانند خاموش شوند، مانند اتفاقی که سال ۱۹۷۹ در ایران رخ داد.... باید بپذیریم نیروهای قدرتمندی وجود دارند که با الگوی مورد نظر ما معارضه می‌کنند».

۴- نتانیاهو، ۲۷ بهمن ۱۳۹۳، هنگام معرفی رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل، با ادبیاتی مالیخولیایی، خطاب به ژنرال آیزنکوت و حاضران گفته بود: «ایران در حال احیای امپراتوری خود در خاورمیانه است. سال‌های دشواری در راه است. قول می‌دهم در ۴ سال آینده یک روز خوش نخواهید دید. خاورمیانه در ۴ سال گذشته تغییرات زیادی کرده و اسرائیل دردسرهای فراوانی داشته، اما هیچ نشانه‌ای از آرامش به چشم نمی‌خورد و سال‌های دشوار هنوز در پیش است. نفوذ ایران و متحدانش در یمن و تنگه باب‌المندب، تهدید بزرگی است. خطرات بزرگی در منطقه پرآشوب، در کمین اسرائیل است. ایران در چند کشور و حوزه نفوذ مهم مسلط شده؛ لبنان، سوریه، غزه و به تازگی یمن. دو هزار جنگجوی حزب‌الله در جنوب سوریه، جبهه تازه‌ای گشوده‌اند».

۵- او همچنین ۱۲ آبان ۱۳۹۶، در «چتم‌هاوس» انگلیس گفت: «ایران به دنبال پل زمینی از تهران تا طرطوس در حاشیه مدیترانه است؛ در یمن حضور دارد؛ و می‌خواهد امپراتوری خود را گسترش دهد. نبرد بین مدرنیست‌ها و قرون وسطایی‌هاست؛ شیعیان افراطی به رهبری ایران و سنی‌های افراطی به رهبری القاعده و داعش. ایران دارد برنده می‌شود. رابطه ایران و روسیه به‌ویژه در تحولات سوریه افزایش یافته؛ آیا به نفع روسیه است که چنین قدرتی، اینجا وجود داشته باشد؟». نتانیاهو این سخنان را در حالی عنوان کرد، که به مناسبت صدمین سالگرد انتشار اعلامیه بالفور (بیانیه حمایت انگلیس از تشکیل رژیم جعلی اسرائیل) به لندن رفته بود. همچنین آذر ۱۳۹۹، خبرنگاری از نتانیاهو پرسید: «در حال حاضر چه کابوسی داری؟ نتانیاهو پاسخ داد: «ایران. هر ۳ کابوس را می‌خواهی؟ ایران، ایران، ایران!». مجری دوباره می‌پرسد: «چرا هر ۳ ایران است؟» نتانیاهو جواب می‌دهد: «چون ایران در حال تبدیل شدن به امپراتوری است؛ امپراتوری قدرتمند».

۶- هر چند نتانیاهو خود را در دروغ گفتن و ترساندن و اجماع ساختن زبردست تصور می‌کرد، اما دروغ‌های او تدریجا به حد اشباع رسید. اکنون دیگر نه صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی و نه شهروندان غربی، دروغ‌های او را باور نمی‌کنند. کافی است در اینترنت، جست‌وجوی مختصری درباره نتانیاهو انجام دهید تا اسناد تبدیل شدن او به مجسمه دروغ و دغل را مشاهده کنید؛ فقط به عنوان چند نمونه: «بن تسون نتانیاهو، پدر بنیامین نتانیاهو، تیرماه ۱۳۸۸ در گفت‌وگو با شبکه دو تلویزیون اسرائیل: «بنیامین، پس از نخست وزیری، هیچ یک از سیاست‌های خود را تغییر نداده، بلکه به اعراب دروغ می‌گوید. او وقتی که گفت حاضر است با فلسطینیان توافق کند و با تشکیل دولت مستقل فلسطینی موافق است، دروغ گفت. من از او پرسیدم و فهمیدم که دارد دروغ می‌گوید و تمام دنیا را فریب داده، زیرا شرایطی که برای تحقق توافق صلح قرار داده، محال و دست نیافتنی است». «هاآرتص: نتانیاهو احمق است، به علاوه اینکه ضعیف، دروغگو، ترسو، خودخواه و ناتوان در تصمیم‌گیری است». «بنی‌گانتز وزیر اسبق جنگ: نتانیاهو، دروغگویی است که قادر به گفتن هیچ چیز واقعی نیست و اسرائیل را به خطر می‌اندازد». «جروزالم پست: سه تن از رؤسای پیشین ستاد ارتش، نتانیاهو را به دروغگویی متهم کردند». «یائیر لاپید رهبر نخست‌وزیر سابق: نتانیاهو، فرد شکست‌خورده‌ای است که نمی‌تواند از دروغگویی دست بردارد». حتی مقامات غربی هم، او را مایه نکبت و دردسر می‌دانند. سارکوزی و اوباما، رؤسای جمهور فرانسه و آمریکا، ۱۷ آبان ۱۳۹۰ در حاشیه نشست گروه ۲۰، با هم در گوشی حرف می‌زدند و نمی‌دانستند میکروفون روشن است. سارکوزی گفته بود: «دیگر نمی‌توانم نتانیاهو را ببینم و تحملش را ندارم؛ او یک دروغگو است». و اوباما پاسخ داده بود: «از دستش خسته شده‌ای؟ من چه بگویم که هر روز باید با او سر و کار داشته باشم؟»

بقیه در صفحه ۱۱

سخنگوی ستاد انتخابات کشور:

۱۱ هزار و ۵۰۰ شعبه در مرحله دوم انتخابات مجلس فعال است

سخنگوی ستاد انتخابات کشور با اشاره به دور دوم انتخابات مجلس گفت: در تهران برای هر شعبه ۴ صندوق الکترونیکی و در باقی حوزه‌های انتخابیه برای هر شعبه، ۳ صندوق الکترونیکی در نظر گرفته شده است.

محسن اسلامی، سخنگوی ستاد انتخابات کشور با اشاره به آمادگی وزارت کشور برای برگزاری مرحله دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی، اظهار کرد: انتخابات در برخی از حوزه‌ها به دور دوم کشیده شده است. حوزه‌های انتخابیه تبریز، شبستان، میانه، پارس‌آباد، سمیرم، لنجان، کرج، تهران، ورامین، بیرجند، مشهد، آبادان، رامهرمز، خدابنده، زنجان، شیراز، مرودشت، خرم‌آباد، قائمشهر، ملایر، کرمانشاه و گنبدکاووس، ۲۲ حوزه انتخابیه‌ای هستند که انتخابات در آنها به دور دوم کشیده شده است.

وی اضافه کرد: در این حوزه‌های انتخابیه ۹۰ نفر برای کسب ۴۵ کرسی باقیمانده مجلس شورای اسلامی با هم رقابت می‌کنند.

سخنگوی ستاد انتخابات کشور با اشاره به شیوه برگزاری انتخابات در مرحله دوم، تصریح کرد: انتخابات در ۸ حوزه انتخابیه تبریز، تهران، آبادان، شیراز، کرمانشاه، خرم‌آباد، قائم‌شهر و ملایر به صورت تمام الکترونیکی برگزار می‌شود. در تهران برای هر شعبه ۴ صندوق الکترونیکی و در باقی حوزه‌های انتخابیه برای هر شعبه، ۳ صندوق الکترونیکی در نظر گرفته شده است تا ازدحامی را در شعب مشاهده نکنیم و رأی‌دهندگان به راحتی و سهولت رأی خود را به صندوق بیندازند.

آموزش لازم به دست‌اندرکاران انتخاباتی داده شده است

اسلامی اظهار کرد: آموزش لازم به همکاران ما در ستاد انتخابات و ۲۲ حوزه انتخابیه داده شده است و تربیت مدرس، آموزش لازم را دریافت و طی ۱۰ روز گذشته به مدرسان استانی آموزش داده‌اند و آنها (مدرسان استانی) در حال آموزش باقی همکاران در استان‌ها هستند.

وی اعلام کرد: گرچه رأی دادن در شیوه الکترونیکی بسیار ساده است، اما یک ویدئوی آموزشی از سوی کمیته فناوری ستاد انتخابات کشور تهیه شده است که برای آموزش همگانی به صداوسیما و ستادهای انتخابات ارسال شده است. در برخی از مراکز عمومی مثل نماز جمعه و یا نمایشگاه کتاب، آموزش‌های لازم به مردم داده می‌شود.

سخنگوی ستاد انتخابات کشور با تأکید بر اینکه کسانی می‌توانند در مرحله دوم رأی بدهند که حتماً در دور اول در همان حوزه انتخابیه رأی داده باشند و یا اصلاً در کل کشور رأی نداده باشند، گفت: رأی‌دهنده با این پیش فرض وارد شعبه می‌شود و با ارائه هریک از مدارک هویتی پنج‌گانه (کارت ملی، شناسنامه، گذرنامه، گواهینامه و کارت پایان خدمت)، احراز می‌شود. برای فرد یک کارت رأی دادن صادر شده و در اختیار او قرار می‌گیرد. رأی‌دهنده کارت را در صندوق ثبت رأی الکترونیک وارد می‌کند و گزینه رأی دادن فعال می‌شود.

اسلامی با بیان اینکه سپس کد انتخاباتی نامزد مورد نظر را وارد کرده و عکس و مشخصات فرد به نمایش درمی‌آید، اظهار کرد: کد هر نامزدی که وارد شود، اطلاعات او در صفحه به نمایش درمی‌آید. نهایتاً رأی‌دهنده اتمام رأی‌دهی را ثبت می‌کند و پرینتی از رأی، رأی‌دهنده از زیر صندوق الکترونیکی قرار می‌گیرد. رأی‌دهنده کارت تعرفه را به منشی ما در شعبه، تحویل می‌دهد و سرانجام کارت شناسایی خود را دریافت می‌کند. فرآینده رأی‌دهی الکترونیکی ساده و در یک وقت بسیار کم صورت می‌گیرد.

۱۱ هزار و ۵۰۰ شعبه در مرحله دوم انتخابات فعال است

وی گفت: در حوزه‌هایی که اشاره کردم حدود ۱۱ هزار و ۵۰۰ شعبه داریم که شامل شعب شهری، روستایی، ثابت و سیار می‌شود. براساس تجربه‌ای که در مرحله دوم وجود دارد، تعداد شعب مرحله دوم نسبت به مرحله اول، کمتر است. البته در این دوره، نظر هیئت‌های اجرائی حوزه‌های انتخابیه را دریافت کردیم و نظر آنها ملاک اصلی ما بود. اگر هیئت اجرائی در آن حوزه انتخابیه تشخیص داده بود که هیچ حوزه‌ای کم نشود، ما همان را اعمال کردیم.

سخنگوی ستاد انتخابات کشور یادآور شد: عوامل اجرائی در کل ۲۲ حوزه انتخابیه مشخص شده و تا ۱۳ اردیبهشت در سامانه جامع انتخابات نهائی خواهد شد.

اسلامی با بیان اینکه درخصوص تبلیغات انتخاباتی نامزدها و سامانه شفافیت به نامزدها اطلاع‌رسانی شده است که حتماً تبلیغات و هزینه‌های خود را وارد کنند، خاطر نشان کرد: تبلیغات از ساعت ۰۰:۰۰ بامداد پنج‌شنبه ۱۳ اردیبهشت آغاز می‌شود و تا پنج‌شنبه ۲۰ اردیبهشت ساعت ۸ صبح ادامه دارد. دستورالعمل تبلیغات و قانون مرتبط با تبلیغات که در مرحله اول اطلاع‌رسانی شده، ملاک خواهد بود. البته امکاناتی در استان‌ها از ناحیه دستگاه‌های اجرائی در اختیار نامزدها قرار گرفته که می‌توانند استفاده کنند.

استان‌ها تعرفه‌های انتخاباتی را از امروز دریافت می‌کنند

وی گفت: صداوسیما هم قرار است مناظراتی را در شبکه‌های استانی برای ۹۰ کاندیدا تنظیم کند که همگی در حال ضبط است و از تاریخ اعلام شده، پخش خواهد شد. دبیر ستاد انتخابات کشور خاطرنشان کرد: در استان تهران، صرفاً حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس الکترونیکی خواهد بود و در حوزه انتخابیه ورامین و قرچک ثبت رأی به صورت تعرفه است. تعرفه‌ها هم چاپ شده و در حال ارسال است. استان‌ها تعرفه‌ها را از امروز دریافت می‌کنند و مشکلی در این زمینه وجود ندارد.

انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ برگزار شد و از میان کاندیداهای حاضر در عرصه رقابت ۲۴۵ نفر به مجلس راه یافتند و سرنوشت ۴۵ کرسی باقی مانده در دور دوم انتخابات که در ۲۱ اردیبهشت برگزار می‌شود، روشن خواهد شد.

طبق اعلام وزارت کشور تعداد رأی صحیح مأخوذه در حوزه انتخابیه تهران یک میلیون و ۵۶۹ هزار و ۸۵۷ رأی بود از بین نامزدها تعداد ۱۴ نفر به طور مستقیم وارد مجلس شدند و ۳۲ نفر دیگر نیز به مرحله دوم انتخابات راه یافتند که برای تصدی ۱۶ کرسی باقی مانده بهارستان در ۲۱ اردیبهشت به رقابت خواهند پرداخت.

خبر ویژه

کسی برای دانشجویان آمریکایی ترانه «برای خواهرم، خواهرامون» نمی‌سازد

اگر صحنه‌های ضرب‌وشتم وحشیانه دانشجویان و حتی استادان دانشگاه به جای آمریکا در ایران پدید می‌آمد، نهادهای حقوق بشری را به‌خط می‌کردند تا قطعنامه بدهند و محکوم کنند و تحریم جدید وضع کنند.

روزنامه همشهری در یادداشتی نوشت: این چند روز که عکس‌ها و فیلم‌های ضرب‌وشتم دانشجویان آمریکایی در رسانه‌های خارجی سانسور می‌شود، نخستین سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که اگر این تصاویر مربوط به ایران بود، روایت ماجرا چطور شکل می‌گرفت!؟

ضرب‌وشتم وحشیانه دانشجویان و حتی استادان دانشگاه در حالی است که مطالبه معترضان تنها توقف جنایت در غزه است اما همین را هم تحمل نمی‌کنند. ۶۰۰نفر را دستگیر و ده‌ها نفر را تحقیر کردند و زیر باد کتک گرفتند؛ تا آنجا که مجبور شدند خون‌های ریخته‌شده دانشجویان را با ماشین آبپاش شست‌وشو دهند بلکه آثار جنایت پاک شود. اما تمام رسانه‌های اصلی، این خروش بی‌سابقه را سانسور کرده‌اند.

تا این‌جا آزادی‌بیان به روایت آزادی آمریکایی است؛ اما بیایید فرض کنیم که این ماجرا در ایران اتفاق می‌افتاد. آنگاه رسانه‌ها و سیاستمداران غربی و نهادهای حقوق بشری چطور رفتار می‌کردند؟ این در حالی است که کنشگری دانشجویان، اعتراض به وحشی‌گری بی‌سابقه رژیم صهیونیستی است و نه اقدامی علیه امنیت ملی کرده‌اند و نه آسیبی به اموال عمومی زده‌اند و نه آدم کشته‌اند و نه کف خیابان مأموران را برهنه و سلاخی نموده‌اند و نه با گروه‌های آدمکش و تفرقه‌افکن و برانداز همکاری کرده‌اند و یا اجیر آنها شده‌اند. با همه اینها فرض کنید این وقایع در ایران بود؛ آنگاه آنها چه رفتاری می‌کردند؟

- تمام رسانه‌هایشان به‌خط می‌شدند تا شب و روز، عکس‌ها و تصاویر را به کرات بازنشر و تحلیل کنند. اگر هم تصویری پیدا نمی‌کردند از عکس‌های گذشته یا ساختگی یا تصاویر تجمعات دیگر کشورها استفاده می‌کردند.

- از فرصت استفاده و تمام گروه‌های آدمکش و تروریست و اراذل و اوباش را به‌صف می‌کردند تا وارد کشور شوند یا از گوشه و کنار شهر جمع‌شان می‌کردند تا تجمع دانشجویان را تبدیل به شورش علیه امنیت کشور کنند.

- تمام سیاستمداران در رده‌های مختلف در دیگر کشورها را ردیف می‌کردند تا تصاویر را محکوم کنند. از دولت‌ها درخواست می‌کردند با ایران قطع رابطه کنند و نهادهای امنیتی ایران را تروریستی بنامند.

- تمام سلبریتی‌ها به‌صف می‌شدند و موضع‌گیری می‌کردند. هر سلبریتی‌ای هم اعلام موضع نمی‌کرد، به‌صورت مجازی به او حمله‌ور می‌شدند تا از سر ترس سخن بگوید و ساکت نباشد. هر میزان هم لازم بود پول خرج می‌کردند.

- هر زمان اعتراضات از دایره اخبار خارج می‌شد و به سمت آرامش پیش می‌رفت، با ریختن خون چند بی‌گناه، آن را شعله‌ور می‌ساختند. حتی اگر لازم بود، در کف خیابان مامور امنیتی یا انتظامی یا آدم عادی را نیز سلاخی می‌کردند و خون می‌ریختند.

- همه نهادهای حقوق بشری را به‌خط می‌کردند تا بیانیه دهند و محکوم کنند و قطعنامه دهند و تحریم جدید وضع کنند.

- از صفحات آشپزی و آرایشگری و پیج‌های فیتنسی و صفحات رقص و جادوگری و شومنی گرفته تا همه اینفلوئنسرها را به‌خط می‌کردند و سکه می‌دادند تا مطالب آنها را بازنشر کنند و این احساس ایجاد شود که تنها یکصدا بیشتر در جامعه وجود ندارد.

- عده‌ای ساده‌لوح و خودحقیرپندار را هم تحریک می‌کردند تا کاملا واداده، غرب را تشویق کنند و کشور را متهم به ناکارآمدی و تباهی کنند.

- جهت تهییج بیشتر و تحریک احساسات، آثار هنری تولید می‌کردند و شعر می‌ساختند و موسیقی درست می‌کردند. اما هیچ‌کس برای دختران و زنان دانشجوی آمریکایی شعر «برای خواهرم، خواهرت، خواهرامون» نمی‌خواند و با عکس‌های آنها فیلم و کلیپ نمی‌سازد.

- تا می‌توانستند به اموال عمومی و دارایی شخصی مردم و کشور لطمه می‌زدند تا ترس و وحشت در شهر حاکم شود و مردم احساس کنند همه‌چیز از دست رفته است و به‌زودی انقلاب می‌شود. بعد هم تصاویر آن را با ضریب بالا توزیع می‌کردند تا بگویند قدرت برتر در میدان آنها هستند.

اما همان‌ها امروز هتک حیثیت دانشجویان آمریکایی را نادیده می‌گیرند، بلکه صدای‌شان آگاهی‌ساز و روشنگرانه نباشد.

یادتان رفت که در دولت قبل چه معامله‌ای با صندوق فرهنگیان کردید؟!

روزنامه اعتماد ضمن انتشار نوشته‌ای، به «بیم و امیدهای صندوق ذخیره فرهنگیان در آستانه ۳۰سالگی این مؤسسه» پرداخت.

این روزنامه که در دولت گذشته از حامیان مدیران متخلف صندوق بوده، بدون اشاره به آن ماجرا می‌نویسد: «صندوق ذخیره فرهنگیان سی سال پیش امیدی ایجاد کرد تا بعد از بازنشستگی گره‌ای از مشکلات اعضا باز کند اما حالا در آستانه سی سالگی نه خبری از پرداخت سهم دولت است و نه مبلغ پرداختی تناسبی با دارایی‌های صندوق و تورم داشته و نه توان گره‌گشایی دارد. بلکه شرایط بحرانی ناشی از زیان‌ده شدن بسیاری از شرکت‌ها و حیف‌ومیل کردن‌ها و سونامی بازنشستگی، تبدیل شدن به حیاط‌خلوت دولت‌ها به ویژه وزرای آموزش‌وپرورش، امیدها و اعتمادها را به‌شدت تضعیف کرده است.

در این شرایط برخی خواستار خروج و قطع عضویت و برخی در پی انحلال صندوق و برخی قصد شکایت از مسئولان به ویژه اعضای هیئت‌امنا و هیئت‌مدیره و مدیران عامل همه ادوار در این ۳۰ سال را دارند و برخی با خشم و ناامیدی قصد دارند با تجمع و اعتراض‌های میدانی مانع از استمرار این وضعیت شوند. اما چند سالی است که به‌طور عام اعضای صندوق در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها و تعدادی از آنها در قالب مطالبه‌گر علاوه بر کنش‌های عرصه عمومی در تعامل با مسئولان صندوق، به دنبال چاره‌گشایی هستند که در این مسیر محاسبه و پرداخت حق مالکانه یعنی سهم اعضا از همه دارایی‌های صندوق نقطه آغازی تشخیص داده شد که تا کنون از آن اجتناب می‌شده و حالا هم که گام‌های نخست آن برداشته شده است، بیم آن می‌رود که نهایی نشود و یا به قول معروف کلید نهایی شدن آن فشرده نشود در حالی که حسن‌نیت مسئولان در گروی نهایی‌شدن اختصاص واقعی حق مالکانه است و به تبع آن بورسی‌شدن همه دارایی‌های صندوق برای شفاف‌سازی است. اعضای صندوق هیچ بهانه‌ای را برای عدم تحقق این مهم نمی‌پذیرند و تاخیر در آن را فریب افکار عمومی دانسته و در صورت استمرار این وضعیت مبهم، دست به اقداماتی خواهند زد که جبران خسارت‌های آن امکان‌ناپذیر خواهد بود. ما مطالبه‌گران در ۵ سال اخیر به این نتیجه رسیده‌ایم که مشکلات صندوق در سه‌ضلعی ماهیتی، مدیریتی و مشارکتی خلاصه می‌شود لذا برای رفع ابهامات ماهیتی بر اجرای اساسنامه ۱۴۰۰ و اصلاح آن در مسیر رفع ابهامات و تصریح درخصوصی بودن این مؤسسه تاکید داریم و در بخش مدیریتی خواستار کوچک‌سازی و چابک‌سازی و کارآمد کردن مجموعه صندوق با هدف سودآور شدن و جلوگیری از استمرار زیان‌های تحمیلی و حیف‌ومیل‌های مفسدانه هستیم و راه‌اندازی سامانه کدال را در این راستا ضروری و تاخیر آن را فرای غیرمسئولانه می‌دانیم.»

یادآور می‌شود در دوره مدیریت دولت گذشته، فساد ۱۴هزار میلیارد تومانی «صندوق ذخیره فرهنگیان» و «بانک سرمایه» پدید آمد. در این پرونده، سرمایه‌گذار برخی سریال‌ها و فیلم‌ها با «معاون وزیر آموزش‌وپرورش در دولت اصلاحات، مؤسس بانک سرمایه، و رئیس صندوق ذخیره فرهنگیان»، با هم تبانی کرده و ضمن بالا کشیدن اموال فرهنگیان، مشغول جریان‌سازی مسموم بودند. تهیه‌کننده سینمایی به جرم «اخلال کلان در نظام اقتصادی» به ۲۰ سال حبس، رد مال و انفصال از خدمات دولتی محکوم شد. مدیرعامل صندوق ذخیره فرهنگیان و همسرش هم، به ۱۲ سال و ۵ سال حبس محکوم شدند. و این در حالی بود که یک دولتمرد ارشد، آبان‌ماه ۹۵، ضمن کوچک‌نمایی غارت ۱۴هزار میلیاردی گفته بود: «بعضی‌ها مثل اینکه بالا و پایین کردن فساد برای‌شان لذت‌بخش است! اگر دستگاهی وامی داده و آن پول شده بدهی معوق، نمی‌دانم چرا بعضی‌ها خوش‌شان می‌آید بدهی معوق را بگویند اختلاس»!

گفتنی است حکم متهمان پرونده بانک سرمایه شامل رد مال نامشروع و ۱۷۰ سال حبس بود. صندوق ذخیره فرهنگیان سال ۷۳ برای بهبود معیشت فرهنگیان راه‌اندازی شد. بخش عمده سهام «بانک سرمایه» (۴۵درصد) به این صندوق تعلق دارد. بسیاری از فرهنگیان، سهامدار صندوق هستند و صندوق از طریق بانک بنا داشت این سپرده‌ها را سودآور کند، اما بانک سرمایه در سال ۹۴، معادل نیمی از سرمایه اسمی زیان کرد و نهایتا، برخی ابعاد فساد لو رفت. شهاب غندالی، مهر ۹۲ (آغاز دولت روحانی) مدیرعاملی صندوق ذخیره فرهنگیان را برعهده گرفت و تا مهر ۹۵ در این سمت حضور داشت. وی در دولت خاتمی، معاونت مالی- اداری و منابع وزارت آموزش‌وپرورش را برعهده داشت. خود غندالی می‌گوید «سال ۸۴ که معاون وزیر بودم، خودم بانک سرمایه را به همراه دوستان تاسیس کردم. بعدها (در دولت روحانی) وقتی علی‌اصغر فانی وزیر آموزش‌وپرورش شد، به وزارت برگشتم و مدیرعامل صندوق ذخیره فرهنگیان شدم».

نماینده دادستان در جریان دادگاه گفته بود: «متهمان، از طریق نفوذ در مدیران بانک سرمایه و صندوق فرهنگیان، نقشه‌های مجرمانه خود را پیاده می‌کردند. بررسی مکالمات میان غندالی و همسر او با امامی روشن می‌کند که غندالی، به‌عنوان مهره‌ای قابل اطمینان در اختیار قرار گرفته بود و امامی از طریق نفوذ در او، سیاست‌های مورد نظرش را در بانک سرمایه پیاده می‌کرد. وی از این طریق و به منظور غارت اموال و وجوه بانک سرمایه و شرکت‌های وابسته و صندوق ذخیره فرهنگیان، اقدام به حذف افراد غیرهمسو و معرفی و انتصاب اشخاص مطیع در سمت‌های کلیدی بانک می‌کرد. غندالی برای مخفی کردن منشأ مجرمانه اموال، سند اکثر املاک و خودروهای دریافتی از محمد امامی، آرمان علمایی و علی‌اکبر انصاری را به نام همسر خود می‌کرده است. نفوذ محمد امامی، به اندازه‌ای بوده که در عزل و نصب مدیران ارشد و میانی نقش مؤثر داشته و مجموعه بانک سرمایه، صندوق فرهنگیان و نهادهای وابسته، در خلال سال‌های ۹۲ تا ۹۵، توسط شبکه وی مدیریت شده است. حتی چارت سازمانی بانک از سوی متهم امامی تنظیم شده است».

با روی کار آمدن دولت روحانی، غندالی از جمله گزینه‌های تصدی وزارت آموزش‌وپرورش بود و برنامه خود را هم داده بود. از نکات قابل‌تأمل در سوابق غندالی، اعلام استعفای او از معاونت وزیر در دوره اصلاحات، به دفاع از تحصن مجلس ششم بود. آن زمان، مدعیان اصلاحات در مجلس و دولت، برای گروکشی سیاسی، اقدام به تحصن و تهدید به استعفا کرده بودند. غندالی، همچنین از عناصر محوری جبهه اصلاحات، در زمینه تشکیلات‌سازی و سربازگیری سیاسی در میان فرهنگیان و معلمان در پوشش مطالبات صنفی بود. افراطیون مدعی اصلاحات در طول دولت اصلاحات و سپس دولت روحانی، ضمن ایجاد تشکل‌هایی مانند «کانون صنفی معلمان»، «مجمع فرهنگیان»، «انجمن اسلامی معلمان»، «سازمان معلمان»، «کانون مدرسان دانشگاه فرهنگیان» و...، اقدام به سربازگیری در خدمت پروژه‌های رادیکال سیاسی کردند. برخی از عناصر فعال اصلاح‌طلبان در این حوزه، ارتباطات گسترده‌ای با جریان خارجی نفوذ و گروهک‌های ضدانقلاب داشتند.

این نکته هم گفتنی است که در دولت رئیسی با وجود خسارت‌های بزرگ به ارث رسیده از دولت قبل و از جمله کسری بودجه ۴۸۰هزار میلیاردی و بدهی انباشته ۱۵۰۰هزار میلیارد تومانی، چندصد هزار میلیارد تومان از بدهی‌ها و تعهدات قانونی دولت قبل تسویه شده و ضمناً ۴۰هزار میلیارد برای رتبه‌بندی معلمان اختصاص یافت.

نتانیاهو از درگیری با ایران ضربه قطعی خورد

روزنامه اصلاح‌طلب آرمان که تا پیش از این هر نوع مجازات صهیونیست‌ها را ورود به تله جنگ نتانیاهو می‌دانست و بر حذر می‌داشت، اکنون پس اقدام قاطع و بازدارنده ایران می‌گوید: درگیری با ایران، برای نتانیاهو زیان‌آور بود.

این روزنامه از قول حسن بهشتی‌پور نوشت: بعد از اتفاق رخ داده در اصفهان از جانب اسرائیل به نظر می‌رسد مناقشه بین ایران و اسرائیل به معنای درگیری نظامی در حدی که شاهد بودیم یا فراتر از آن، پایان یافته است. در سطح کلان اما مناقشه بین ایران و اسرائیل تا زمانی که رژیم اشغالگر برقرار است وجود دارد اما لازم به تاکید دوباره است که به نظر می‌رسد در این برهه زمانی در بعد نظامی هر دو طرف ترجیح داده‌اند که مدیریت بحران کرده و موضوع را ادامه ندهند. باید توجه کنیم که اسرائیلی‌ها در یک بحران به شدت گسترده در غزه درگیر هستند. علاوه بر این نتانیاهو در داخل اسرائیل به شدت مشکلات جدی دارد؛ از درگیر شدن در جنگ و موضوع غزه که فشار زیادی را بر او وارد کرده، تا افتضاحی که از نظر امنیتی در ۷ اکتبر به بار آمده است. در کنار این موضوع نتانیاهو مخالفان زیادی دارد و هفته‌ای نیست که درگیری و تظاهرات علیه او برقرار نباشد. با این مجموعه مسائل، درگیری اسرائیل با ایران به شدت برای نتانیاهو زیان‌آور بود و او می‌داند با پاسخ جدی‌تر به ایران مجبور است، جواب دوباره بگیرد و این به معنی ادامه موضوع است. در این شرایط انگیزه اسرائیل این بود که اولا عملیاتی علیه ایران کرده باشد ثانیا پاسخ او آن قدر بحران‌زا نباشد که شرایط فعلی با ایران را گسترش دهد.

بهشتی‌پور افزود: تردیدی نیست که طرف اسرائیلی ضربه قطعی خورد و متوجه شد که بحث این نیست که بشود یک تنه با همه نیروهای مقاومت بجنگد و مجبور است از حمایت‌های آمریکا، انگلیس و فرانسه نیز برخوردار شود.

او بر خلاف اوج‌گیری اعتراضات جهانی به ویژه در دانشگاه‌های غربی و خبر قریب‌الوقوع بودن تعقیب بین‌المللی نتانیاهو، گفت: اما